

## 992 - ادله‌ی بالا بودن الله متعال بر آفریدگان و اینکه وی - سبحانه و تعالی - بالای آسمان‌ها است

### سوال

برخی از مردم می‌گویند که الله بالای آسمان‌ها است، و برخی از علما می‌گویند الله جا و مکان ندارد. سخن صحیح در این مساله چیست؟

### پاسخ مفصل

الحمدلله.

اهل سنت برای بلند بودن ذاتی الله متعال بر آفریدگان به کتاب و سنت و عقل و فطرت استدلال کرده‌اند:

نخست: ادله‌ی قرآنی بر علو الله گوناگون است. قرآن گاه سخن از علو گفته و گاه از **فوقیت** یعنی بالا بودن الله یاد کرده و گاه از نازل شدن چیزهایی از نزد خداوند سخن گفته و گاهی نیز از بالا رفتن چیزها به سوی خداوند یاد کرده و برخی اوقات به بودن الله در آسمان‌ها اشاره کرده است.

ذکر علو (والایی) در آیاتی مانند این آمده است: **وهو العلی العظیم** [بقره/ ۲۵۵] (و اوست آن بلند جایگاه بزرگ) و **سبح اسم ربك الأعلى** [الأعلى/ ۱] (نام پروردگار بلند جایگاه خود را به پاکی ستایش کن).

ذکر فوقیت (بالا بودن) در آیاتی مانند این آمده است: **وهو القاهر فوق عباده** [انعام/ ۱۸] (و اوست که بر بندگان خود چیره است) و **یخافون ربهم من فوقهم ویفعلون ما یأمرون** [نحل/ ۵۰] (از پروردگار خود در بالای آن‌ها است می‌ترسند و آنچه را امر شده‌اند انجام می‌دهند).

و نازل شدن اشیا از نزد او، مانند: **یُدبِرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ** [سجده/ ۵] (کار [جهان] را از آسمان به سوی زمین اداره می‌کند...) و **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ** [حجر/ ۹] (همانا این ماییم که ذکر (قرآن) را نازل نمودیم) و آیاتی شبیه این.

و صعود اشیا به نزد او مانند: **إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ** [فاطر/ ۱۰] (سخنان پاک به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد) و مانند این آیه: **تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ...** [معارف/ ۴] (ملائکه و روح (جبرئیل) به سوی او بالا می‌روند...).

و بودن او در آسمان، مانند: **أَأَمِنْتُمْ مِّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ...** [ملک/ ۱۶] (آیا از آن کس که در آسمان است

ایمن شده‌اید که شما را در زمین فرو برد؟).

دوم: در سنت نیز چنین چیزی از سخن و کردار و اقرار پیامبر به تواتر رسیده است:

از جمله ذکر علو و فوقیت الله متعال در این سخن رسول الله ﷺ که در سجود می‌فرمود: **سبحان ربی الأعلیٰ**. همچنین در احادیث آمده که ایشان ﷺ فرمودند: **و الله بالای عرش است**.

۲- فعل پیامبر ﷺ: مانند اینکه در بزرگترین اجتماع خود با مردم در روز عرفه، در سال حجة الوداع، در حالی که برای مردم سخن می‌گفت، انگشت خود را به آسمان بلند کرد و فرمود: **آیا ابلاغ کردم؟** گفتند: آری. دوباره فرمود: **آیا ابلاغ کردم؟** گفتند: آری. و در همین حال می‌فرمود: **یا الله گواه باش!** و با انگشت به آسمان و سپس به مردم اشاره نمود. همینطور چنانکه در دهها حدیث وارد شده در دعا دستان خود را به آسمان بلند می‌کرد که این نیز اثبات عملی صفت علو است.

۳- تقریر (تایید ضمنی) پیامبر ﷺ: چنانکه در حدیث جاریه‌ای که پیامبر ﷺ از او پرسید: **الله کجاست؟** گفت: در آسمان. سپس پرسید: **من که هستم؟** گفت: فرستاده‌ی الله. پس رسول الله ﷺ به صاحبش گفت: **او را آزاد کن که مومن است**.

این کنیز دانش نیاموخته که حتی آزاد هم نبود می‌دانست که پروردگارش در آسمان است، اما گمراهان بنی‌آدم، در آسمان بودن الله را انکار می‌کنند و می‌گویند: او نه بالا است و نه پایین و نه راست است و نه چپ، بلکه می‌گویند: او [با ذات خود] در همه جا است!

سوم: دلالت اجماع: سلف بر این اجماع داشتند که الله متعال با ذات خود در آسمان است، چنانکه علمایی مانند امام زهبی رحمه الله در کتابش **العلو للعلی الغفار** اقوالشان را نقل کرده است.

چهارم: دلالت عقل: به اتفاق خردمندان، علو (بلندی) صفت کمال است؛ بنابراین باید آن را برای الله ثابت دانست، زیرا هر صفت کمال مطلق برای الله ثابت است.

پنجم: دلالت فطرت: دلالت فطرت بر علو خداوند غیر قابل انکار است؛ زیرا هر انسانی بر این سرشته شده که الله در آسمان است. به همین سبب هرگاه دچار مشکلی شوی که نتوانی آن را از خود دور کنی، رو به سوی خداوند می‌کنی و با دل خود رو به آسمان می‌کنی نه هیچ سمت دیگری. عجیب است که حتی کسانی که علو الله بر بندگان را انکار می‌کنند، هنگام دعا دستان خود را تنها به سوی آسمان بلند می‌کنند.

حتی فرعون که دشمن الله بود، هنگامی که خواست درباره‌ی پروردگار با موسی جدل کند، خطاب به وزیرش هارون گفت: **وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرِّحًا لِعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ [غافر/ ۳۶-۳۷]** (و فرعون گفت: ای هامان برای من بنایی مرتفع بساز؛ شاید من به وسایلی دست یابم. وسایلی [صعود به] آسمان‌ها، تا به خدای موسی

بنگرم...). او در حقیقت در دل خود وجود الله را قبول داشت، چنانکه خداوند متعال درباره‌ی او و قومش می‌فرماید:  
وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا [نمل/ ۱۴] (و با آنکه دل‌هایشان به آن یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند).

این‌ها برخی از ادله‌ی علو خداوند، در کتاب و سنت و اجماع و عقل و فطرت و حتی از سخن کافران بود. از الله هدایت به سوی حق را خواهیم.